



مصوبه‌ای داشت که دستگاه‌های اجرایی تا آزاد شدن سهام عدالت، نمایندگی سهام عدالت را در شرکت‌های واگذارشده داشته باشند ولی چون ما مصوبه شورای عالی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را داشتیم که در آن مصوبه برای عضویت کارمندان دولت به عنوان نماینده سهام عدالت در شرکت‌ها منع وجود داشت، مصوبه دولت هرگز اجرا نشد. اما در دولت یازدهم، مصوبه شورای عالی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را اصلاح کردند تا مدیریت سهام عدالت را دوباره به دستگاه‌های اجرایی واگذار کنند و البته این موضوع را اطلاع‌رسانی نکردند که در دولت یازدهم مصوبه شورای عالی اصل ۴۴ را لغو کرده و دوباره مدیریت این شرکت‌ها را از کانونی که غیردولتی و خودانتظام بود، باز پس گرفته و به دولت سپردند.

● موضوع دولت یازدهم درباره سهام عدالت چیست؟

من فکری کنم دولت یازدهم طرح سهام عدالت را قبول ندارد، اما ساختاری که برای سهام عدالت اجرا شد اگر چه بخشی از آن در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ آمده اما مهم‌تر آن است



برش

● برخی دولت‌ها مزایای هدفمندی را نمی دانستند

دولت یازدهم در سال دوم حضورش (۱۳۹۳)، تصمیم گرفت بنزین ۴۰۰ تومانی را ۷۰۰ و بنزین ۷۰۰ تومانی را ۱۰۰۰ تومان کند. چه چیزی سبب شد دولت چنین تصمیماتی را در کشور امکانپذیر بداند؟ فکرش را بکنید، اگر این تصمیم ۴ سال پیش اجرا می‌شد و یک شبه نرخ بنزین ۷۵ درصد افزایش می‌یافت دولت با چه تبعاتی مواجه می‌شد و امروز اجرای این طرح چه تبعاتی داشت؟ دیگر کسی از تورم ۵۰۰ درصدی (با افزایش ۳۰۰ تومانی نرخ بنزین) سخن نگفت؛ در حالی که وقتی ما می‌خواستیم هدفمندی را اجرا کنیم فردی نه به صورت شخصیت حقیقی، بلکه در جایگاه معاون پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، از تورم ۵۰۰ درصدی اجرای این طرح سخن گفت؛ در حالی که دیدیم این طرح باموفقیت اجرا شد و در بدترین شرایط تحریمی کشور، در سال ۱۳۹۱ تورم کمتر از ۳۰ درصدی را شاهد بودیم که علت آن تحریم بود و البته باز همان افراد از اجرای ناموفق این طرح صحبت می‌کنند. من یقین دارم که اگر دولت‌های قبل از ما می‌دانستند که اجرای هدفمندی یارانه‌ها، با یک افزایش تورم به مراتب پایین‌تر و کمتر از ۶ الی ۷ درصد که در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ شاهد بودیم قابل عملیاتی شدن و مدیریت است، سال‌ها پیش این قانون را اجرا می‌کردند.

در بورس کشف شود. به هر حال در مجموع ارزش شرکت‌های سبب سهام عدالت از زمان واگذاری تا زمانی که در سال ۹۲ دولت را تحویل دادیم، حدود ۳ برابر شده بود. هیچ موقع امکان ندارد شرکتی بد اداره شده و بلا تکلیف باشد اما ارزش سهام آن اینقدر افزایش یابد.

● احمدی نژاد در اواسط مهرماه سال ۸۷ در یک برنامه تلویزیونی برای اولین بار در مورد طرح تحول و برنامه هدفمندی صحبت می‌کند. در آن برنامه، رقم یارانه نقدی را بین ۴۵ تا ۷۵ هزار تومان اعلام می‌کند. این رقم بر چه اساسی محاسبه شد و آیا شما نقشی در تعیین این رقم داشتید؟

هدفمندی یارانه‌ها ایده جدیدی محسوب نمی‌شد، بلکه دارای یک تاریخ اقتصادی در سطح دنیا بود. اگر شما بررسی کنید خواهید دید یارانه به عنوان یک بخش از حمایت‌های اجتماعی، سابقه‌ای بسیار کهن دارد. بعد از اینکه از دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ جنبه‌های اجتماعی در توسعه، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند، بحث یارانه‌ها نیز تبلور بیشتری پیدا می‌کند. در دهه ۱۹۸۰ سیاست ریاضت اقتصادی در دنیا مطرح شد، برداشت این بود که مشکلات کشورهای در حال توسعه ریشه در عدم تعادل‌ها دارد. یکی از این عدم تعادل‌ها، به عدم تعادل مالی دولت‌ها و پرداخت یارانه از سوی دولت‌ها برمی‌گشت. لذا بحث اصلاح قیمت‌ها، همواره با حذف یارانه‌ها که یکی از مشخصه‌های سیاست‌های تعدیل بود در دنیا مطرح شد. گرچه این مباحث در ایران نیز مطرح شد اما هیچگاه نظام سیاسی و تصمیم‌سازی ایران بخصوص، مجلسی‌ها به این رویکرد روی خوش نشان ندادند. این سیاست‌ها در اکثر کشورهایی که در آنجا اجرا شد با شکست مواجه شدند و خود بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، گزارش‌هایی مبنی بر اینکه «تعدیل باید با چهره انسانی تری اجرا می‌شد» ارائه کردند. یونیسف نیز از مشکلات قطع و حذف یارانه‌ها گزارش‌هایی تهیه کرد. لذا حذف یارانه‌ها از اواسط دهه ۱۹۹۰ به هدفمندکردن یارانه‌ها تبدیل شد. حالا دیگر سؤال این نبود که آیا یارانه بدهیم یا نه؟ بلکه سؤال این بود که به چه کسانی و چگونه یارانه بدهیم؟ لذا بحث یارانه‌ها ادبیات بسیار گسترده‌ای دارد و در چند برنامه توسعه ایران نیز به آن اشاره شده است. در سال‌های آخر دولت اصلاحات، مصوبه‌ای تحت عنوان یارانه‌ها وجود دارد که مواردی از طرح هدفمندی به صورت خلاصه شده و سه‌گزینه‌ای بدون تأکید بر تبدیل شدن به قانون، در قالب مصوبه هیأت‌وزیران تصویب شده بود. اما ظاهراً دولتی بودن مدیریت سهام عدالت تصمیمی برای اجرای آن وجود نداشت.

و تنها یک واحد آماده از این طرح را به من نشان دهید.

سهام عدالت هم همینطور، طرحی پیشنهاد دادند و به مجلس بردند که سهام عدالت را از این حالت خارج کنند و برای مثال به صندوق‌های سرمایه‌گذاری تبدیل کنند. وقتی از آنها سؤال می‌شود یارانه‌ها را هم پس می‌گرفت، ولی هر چه بررسی می‌کنند، گزینه بهتری برای جایگزینی پیدا نمی‌کنند و طرح‌هایی را که ارائه می‌کنند یا شکست مواجه می‌شود. شما ببینید دولت یازدهم اولین اقدامی که در اقتصاد انجام داد، توزیع سبب کالا بود. می‌خواستند توزیع سبب کالا را به عنوان یک بدیل روشنفکرانه و کارشناسانه جایگزین طرح به‌اصطلاح خودشان پوپولیستی هدفمندی یارانه‌ها بکنند؛ ولی شما دیدید این طرح آنقدر پرهزینه و بد اجرا شد که کاملاً محو و فراموش شد. حتی در مراحل بعدی به این نتیجه رسیدند که کارگری را هم که سال‌ها به صورت غیرنقدی پرداخت می‌شد به صورت نقدی پرداخت کنند. یا در مسکن مهر گفتند ما مسکن اجتماعی را جایگزین می‌کنیم که بعد از گذشت ۳ سال از این ادعا شما، اگر می‌توانید تنها

● الان اگر تفکر دولت دهم ادامه

پیدا می‌کرد سهام عدالت چه وضعیتی داشت؟

اطلاعاتی که من به صورت غیررسمی دارم، این است که سودآوری کلی سبب سهام عدالت با تغییر دولت کاهش پیدا کرده و همین امر آزادسازی این سهام را به تأخیر انداخته است. حالا برخی این موضوع را به شیوه اعمال مدیریت سهام عدالت در دولت یازدهم و عده‌ای به شرایط اقتصادی ناگوار موجود در سال‌های ۹۳ و ۹۴ مربوط می‌دانند اما اگر روند قبل ادامه می‌یافت الان بخش عمده‌ای از اقساط، بهای سهام مستهلک و مردم سهامدار شده بودند. شیوه آزادسازی هم که در مصوبه شورای عالی اصل ۴۴ کاملاً پیش‌بینی شده بود. رویکردهای اصلی این بود که این سهام باید وارد بورس شود و قیمت واقعی آن



شما همین تجربه توزیع سبب کالا در ماه‌های اولیه فعالیت دولت یازدهم را نگاه کنید.

من همین‌طور تقریبی به شما می‌گویم که توزیع این سبب، حدود ۲۰ درصد هزینه توزیع داشته است. ضمن اینکه نهایتاً رضایت مردم هم جلب نشد.

شما دیدید آقای روحانی بعد از توزیع این سبب گفت: «مردم به زحمت افتادند» و در اینکه بسیاری از جاها، کالاهای پنج‌لی به دست مردم رسید، شکی نیست. یعنی با اینکه این طرح، توسط خود دولت طراحی و اجرا شده بود، اما با این حال رئیس‌جمهور روحانی از اجرای آن ناراضی بوده و از مردم عذرخواهی کرد. اما در مورد اینکه چرا یارانه نقدی بهتر از توزیع کالایی است، معتقدم امروز اثبات شد که نقدی بهتر از کالایی است. بنده در بهار ۹۳ مصاحبه‌ای با فصلنامه «تازه‌های اقتصاد» که وابسته به بانک مرکزی است انجام دادم و در آن نشریه مفصل به دلایل برتری یارانه نقدی بر کالایی پرداخته‌ام.

هدفمندی یارانه‌ها به دنبال حذف یارانه بود

برش

هدفمند کردن یارانه‌ها برخلاف تعدیل اقتصادی به دنبال حذف یارانه‌ها نبود، بلکه به دنبال افزایش عدالت و کارآمدی بیشتر در پرداخت و توزیع یارانه‌ها بود. در واقع رئیس‌جمهور و دولت با تلاش خود توانسته بودند این قانون را به یک باور عمومی تبدیل کنند. ماه‌ها قبل از اینکه این قانون در قالب طرح تحول مطرح شود، در جلساتی که به عنوان مدیرکل وزارت بازرگانی در آن شرکت می‌کردم هدفمندی مورد کنکاش قرار می‌گرفت. خود من بارها با راه‌های اولیه و ابتدایی که عده‌ای می‌نشستند و با ماشین حساب محاسبه می‌کردند که به هر نفر چقدر پول می‌رسد مخالف بودم. به هر حال این مسأله از یک موضوع دم‌دستی و سهل به یک مسأله ممتنع و از یک مسأله ممتنع به یک مسأله قابل فهم و از یک مسأله قابل فهم به یک برنامه و قانون تبدیل شد.

می‌فروختیم، در هر لیتر ۹۰۰ تومان یارانه می‌دادیم. وقتی این رقم ضرب در ۶۰ میلیون لیتر بنزین مصرفی در روز شود، عدد تقریبی یارانه روزانه بنزین به دست می‌آمد. به این ترتیب رقم همه حامل‌ها و بخش‌هایی که به آنها یارانه تعلق می‌گرفت محاسبه شد. «

یک روش دیگر، محاسبه کلان بود که می‌گفتیم به فرض در کشور یک میلیون و هشتصد هزار بشکه نفت مصرف می‌شود، پولی هم که ما از فروش نفت به دست می‌آوریم اینقدر است. این رقم یک میلیون و هشتصد هزار بشکه را ضرب در قیمت قوب کرده، ضرب در قیمت نرخ ارز می‌کردیم. با تطبیق اعداد حاصل از این دو روش و بحث‌های کارشناسی رقم نهایی را به دست آوردیم.

● یعنی رقم ۴۵ تا ۷۰ هزار تومانی که احمدی نژاد اعلام کرد محاسبه شده بود؟

همه اعداد و ارقامی که اعلام می‌شد قبلاً محاسبه شده بود. این چه سؤالی است می‌پرسید. مگر می‌شود رئیس یک دولت، بیاید یک رقمی را همین طوری در رسانه ملی اعلام کند. البته برخی هم پیش‌بینی بود. برای مثال ما در خصوص قیمت آتی برخی از حامل‌ها، تعدیل مصرفی را هم که ناشی از صرفه‌جویی بود، برآورد می‌کردیم.

● چرا یارانه نقدی؟ مثلاً چرا دولت سراغ یارانه کالایی نرفت؟

ما معتقد بودیم هدفمندی جزو برنامه‌های روی زمین مانده دولت‌ها بوده که باید اجرا شود و حتماً باید از تجربیات گذشته استفاده کرد. ما حتی تاریخ اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاح قیمت‌ها را هم اعلام نکردیم. آن زمان چند اقتصاددان ایرانی مقیم خارج کشور طرحی ارائه کرده بودند تا طبق یک فرمول، قیمت بنزین تعدیل شود و این مسأله را هم رسانه‌ای کرده بودند. اما این افراد نمی‌دانستند که اگر همه مردم، فرمول و زمان افزایش قیمت‌ها را بدانند به نوعی ایجاد هرج و مرج یا حتی رانت می‌شود.

با اینکه در دولت‌های قبل و قبل از اجرای طرح تثبیت قیمت‌ها زمان اصلاح قیمت‌های انرژی در ایران کاملاً محرمانه بود، با این حال بنده مطمئن نیستم هیچ رانته‌ای شکل نگرفته باشد، البته ان‌شاءالله که شکل نگرفته باشد. در مورد شیوه پرداخت هم فکری کنم تجربه، جواب سؤال شما را داد و خدا را شاکرم که تصمیم درستی گرفتیم.

شما همین تجربه توزیع سبب کالا در ماه‌های اولیه فعالیت دولت یازدهم را نگاه کنید. من همین‌طور تقریبی به شما می‌گویم که توزیع این سبب، حدود ۲۰ درصد هزینه توزیع داشته است. ضمن اینکه نهایتاً رضایت مردم هم جلب نشد. شما دیدید آقای روحانی بعد از توزیع این سبب گفت: «مردم به زحمت افتادند» و در اینکه بسیاری از جاها، کالاهای پنج‌لی به دست مردم رسید، شکی نیست. یعنی با اینکه این طرح، توسط خود دولت طراحی و اجرا شده بود، اما با این حال رئیس‌جمهور روحانی از اجرای آن ناراضی بوده و از مردم عذرخواهی کرد. اما در مورد اینکه چرا یارانه نقدی بهتر از توزیع کالایی است، معتقدم امروز اثبات شد که نقدی بهتر از کالایی است. بنده در بهار ۹۳ مصاحبه‌ای با فصلنامه «تازه‌های اقتصاد» که وابسته به بانک مرکزی است انجام دادم و در آن نشریه مفصل به دلایل برتری یارانه نقدی بر کالایی پرداخته‌ام.

با چه تبعاتی مواجه می‌شد و امروز اجرای این طرح چه تبعاتی داشت؟ دیگر کسی از تورم ۵۰۰ درصدی (با افزایش ۳۰۰ تومانی نرخ بنزین) سخن نگفت؛ در حالی که وقتی ما می‌خواستیم هدفمندی را اجرا کنیم فردی نه به صورت شخصیت حقیقی، بلکه در جایگاه معاون پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، از تورم ۵۰۰ درصدی اجرای این طرح سخن گفت؛ در حالی که دیدیم این طرح باموفقیت اجرا شد و در بدترین شرایط تحریمی کشور، در سال ۱۳۹۱ تورم کمتر از ۳۰ درصدی را شاهد بودیم که علت آن تحریم بود و البته باز همان افراد از اجرای ناموفق این طرح صحبت می‌کنند. من یقین دارم که اگر دولت‌های قبل از ما می‌دانستند که اجرای هدفمندی یارانه‌ها، با یک افزایش تورم به مراتب پایین‌تر و کمتر از ۶ الی ۷ درصد که در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ شاهد بودیم قابل عملیاتی شدن و مدیریت است، سال‌ها پیش این قانون را اجرا می‌کردند.

● پس چرا اجرا نشد؟

مهم‌ترین دلیلش از نظر من این بود که کسی تا قبل از دولت نهم به این مسأله به طور جدی ورود نکرده بود. ضمن اینکه هدفمند کردن یارانه‌ها برخلاف تعدیل اقتصادی به دنبال حذف یارانه‌ها نبود، بلکه به دنبال افزایش عدالت و کارآمدی بیشتر در پرداخت و توزیع یارانه‌ها بود. در واقع رئیس‌جمهور و دولت با تلاش خود توانسته بودند این قانون را به یک باور عمومی تبدیل کنند. ماه‌ها قبل از اینکه این قانون در قالب طرح تحول مطرح شود، در جلساتی که به عنوان مدیرکل وزارت بازرگانی در آن شرکت می‌کردم هدفمندی مورد کنکاش قرار می‌گرفت. خود من بارها با راه‌های اولیه و ابتدایی که عده‌ای می‌نشستند و با ماشین حساب محاسبه می‌کردند که به هر نفر چقدر پول می‌رسد مخالف بودم. به هر حال این مسأله از یک موضوع دم‌دستی و سهل به یک مسأله ممتنع و از یک مسأله ممتنع به یک مسأله قابل فهم و از یک مسأله قابل فهم به یک برنامه و قانون تبدیل شد.

بنده همان موقع این موضوع را که این طرح به قانون نیاز دارد یا نه، از یک حقوقدان برجسته مانند آقای دکتر پورسید، معاون پژوهشی وقت مرکز پژوهش‌های مجلس پرسیدم و از وی مشاوره گرفتم. آقای پورسید به عنوان یک متخصص به صورت کتبی نظریه حقوقی داد که هدفمندی به قانون بیشتر نیاز ندارد. من وقتی نزد آقای رئیس‌جمهور رفته به ایشان گفتم: «این نظر شما که هدفمندی به قانون نیاز ندارد درست است، بنده از جا‌های مختلف این موضوع را پرس و جو کردم و حتی استعلام کارشناسی گرفتم اما به نظر بیاباییم موضوع هدفمندی را به یک گفت‌وگو با اندیشه ملی تبدیل کنیم.» اگر به سخنرانی‌های من در آن زمان رجوع کنید خواهید دید که بنده بارها گفته‌ام «ما باید دانش عمومی اقتصاد را بالا ببریم» خوشبختانه امروز این اتفاق افتاده و اکثریت مردم در کشور می‌دانند که قیمت واقعی بنزین و گازوئیل، آن چیزی نیست که می‌پردازند. در مورد محاسبه رقم پرداختی به مردم هم با دو روش این رقم را محاسبه کردیم.

«به فرض اگر در کشور روزانه ۶۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شد و قیمت وارداتی هر لیتر برای دولت هزار تومان بود و اگر هر لیتر بنزین را به مردم ۱۰۰ تومان